

An Exploration of Social Violence and Social Exclusion of Tehran Citizens in the Context of Social Ethics: A Grounded Theory

Received: 08, August, 2022

Accepted: 18, September, 2022

Article type: Research Article

PP: 125-162

DOI:

[10.22034/ENTEZAM.2023.1273054.2498](https://doi.org/10.22034/ENTEZAM.2023.1273054.2498)

Fateme Soltani Laf Shakord

PhD Candidate in Sociology,
Faculty of Humanities, North
Tehran Branch, Islamic Azad
University, Tehran, Iran. Email:
soltanifa@yahoo.com

Afsane Edrisi

Associate Professor, Department of
Sociology, Faculty of Humanities,
North Tehran Branch, Islamic Azad
University, Tehran, Iran
(Corresponding Author). Email:
edrisiafsaneh@yahoo.com

Mohammad Bagher Tajuddin

Assistant Professor, Department of
Sociology, Faculty of Social
Sciences, Central Tehran Branch,
Islamic Azad University, Tehran,
Iran. Email:
mb_tajeddin@yahoo.com

Abstract

Background and objectives: Violence is one of the most important factors that is considered a serious threat to people's health, security and rights and has irreparable negative consequences. The aim of the current research was to identify social violence and social exclusion of Tehran citizens in the context of social ethics and to present a grounded theory.

Method: The current research is of qualitative type and was done with grounded theory method. The statistical populations of the research are women and men living in Tehran who have experienced at least one case of social violence. The sample size was 27 people who were selected by multiple purposeful (homogeneous, theoretical) sampling method. An attempt has been made to interpret the interview and observational data and conceptualize these data by in-depth interview and entering the mental and semantic world of the interviewees, and the interviews with people continued until reaching theoretical saturation in terms of concept. In the following, open, central and selective coding was done, and then by determining the core category, theorizing was done.

Findings: Factors such as poverty and unemployment, lack of access to social and educational services, lack of social participation, inefficiency of education and training programs of formal and informal institutions, revenge and grudge, inappropriate environmental conditions and inappropriate role modeling, feeling of social and economic injustice, failure to study, social insecurity and mistrust, etc., have formed causal, contextual and intervening conditions..

Results: The creation of the phenomenon of "social distance and injustice" in the studied society has objectively created a kind of gap and sense of distance with other groups, especially the people of the higher classes of the society and safer neighborhoods, which causes resentment and social annoyance and the increase of social violence and psychological and social insecurity are of its consequences.

Keywords: Social violence, Social exclusion, Social ethics, Social security, Social dissatisfaction.

This article is adapted from the PhD thesis entitled "Theoretical explanation of the relationship between social violence and social exclusion in the context of ethics with a grounded theory approach" of the Department of Sociology, Faculty of Humanities, Islamic Azad University, Tehran North Branch.

کاوشی در خشونت اجتماعی و طرد اجتماعی شهروندان تهران در بستر اخلاق اجتماعی؛ یک نظریه داده‌بنیاد

چکیده

زمینه و هدف: خشونت یکی از مهم‌ترین عواملی است که تهدید جدی برای سلامتی، امنیت و حقوق افراد محسوب می‌شود و پیامدهای منفی جبران‌ناپذیری دارد. هدف پژوهش حاضر، شناخت خشونت اجتماعی و طرد اجتماعی شهروندان تهران در بستر اخلاق اجتماعی و ارائه یک نظریه داده‌بنیاد بود.

روش: پژوهش حاضر از نوع کیفی بوده و با روش گراند تئوری انجام شده است. جامعه آماری پژوهش، زنان و مردان ساکن تهران بوده که تجربه حداقل یک مورد خشونت اجتماعی را داشته‌اند. حجم نمونه، تعداد 27 نفر بود که با روش نمونه‌گیری از نوع هدفمند چندگانه (همگون، نظری) انتخاب شدند. سعی شده تا با مصاحبه عمیق و ورود به دنیای ذهنی و معنایی مصاحبه‌شوندگان به تفسیر داده‌های مصاحبه‌ای و مشاهده‌ای و مفهوم‌سازی این داده‌ها پرداخته شود و مصاحبه‌ها با افراد تا زمانی رسیدن به اشباع نظری از لحاظ مفهومی، ادامه داشت. در ادامه، کدگذاری باز، محوری و گزینشی و سپس با تعیین مقوله هسته، نظریه‌پردازی صورت گرفت.

یافته‌ها: عواملی همچون فقر و بیکاری، عدم دسترسی به خدمات اجتماعی و آموزشی، فقدان مشارکت اجتماعی، کارآمد نبودن برنامه‌های تربیتی و آموزشی نهادهای رسمی و غیررسمی، انتقام و کینه‌ورزی، شرایط محیطی نامناسب و الگوپذیری نامناسب، احساس بی‌عدالتی اجتماعی و اقتصادی، بازماندگی از تحصیل، ناامنی و بی‌اعتمادی اجتماعی و... شرایط علی، زمینه‌ای و مداخله‌گر را شکل داده است.

نتیجه‌گیری: ایجاد پدیده «بی‌عدالتی و فاصله اجتماعی» در جامعه مورد مطالعه، نوعی شکاف و احساس دوری را به‌صورت عینی با سایر گروه‌ها در به‌ویژه افراد طبقات بالاتر جامعه و محلات ایمن‌تر ایجاد کرده که رنجش و آزرده‌گی اجتماعی و افزایش خشونت‌های اجتماعی و عدم امنیت روانی و اجتماعی از پیامدهای آن است.

کلیدواژه‌ها: خشونت اجتماعی، طرد اجتماعی، اخلاق اجتماعی، امنیت اجتماعی، نارضایتی اجتماعی.

دریافت: 4401/55/77

پذیرش: 4411/66/77

نوع مقاله: مقاله پژوهشی

صص: 155-222

شناسه دیجیتال (DOR):

[10.22034/ENTEZAM.2023.1273054.2498](https://doi.org/10.22034/ENTEZAM.2023.1273054.2498)

فاطمه سلطانی لف شاکرد

دانشجوی دکتری تخصصی جامعه‌شناسی دانشکده علوم انسانی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. رایانامه: soltanifa@yahoo.com

افسانه ادریسی

دانشیار گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول). رایانامه: edrisiafsaneh@yahoo.com

محمدباقر تاج‌الدین

استادیار گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. رایانامه: mb_tajeddin@yahoo.com

این مقاله برگرفته از رساله دکتری با عنوان «تبیین نظری رابطه خشونت اجتماعی و طرد اجتماعی در بستر اخلاقیات با رویکرد گراند تئوری» رشته جامعه‌شناسی دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال است.

خشونت در جوامع بشری همواره وجود داشته و با توسعه جوامع، مسائل و مشکلات مرتبط با آن نیز با ابعاد و اشکال گسترده تری گسترش می یابد. خشونت در همه زمان ها، فارغ از زمینه های ایجاد آن، به عنوان یکی از مفاهیم اجتماعی مهم مورد توجه اندیشمندان حوزه علوم اجتماعی بوده است و امروزه سعی می شود تا با به کارگیری ظرفیت های علمی نسبت به مهار آن اقدام شود. گلز و اشتراوس از اصلی ترین پژوهشگران حوزه خشونت، خشونت را رفتاری با قصد و نیت آشکار یا رفتاری با قصد و نیت پنهان، اما قابل درک برای وارد کردن آسیب های فیزیکی به فرد دیگر تعریف کرده اند (گلز و اشتراوس^۱، 1979، ص 554). مگارژی، خشونت را به عنوان شکل افراطی رفتار پرخاشگرانه نام می برد که احتمالاً موجب آسیب مشخص به فرد قربانی می شود (مگارژی^۲، 1981، ص 85). یکی از ابعاد خشونت، «خشونت اجتماعی» است. این نوع خشونت، پدیده ای است که باید با توجه به شرایط زمان و مکان و اوضاع و احوال اجتماعی در کلیت نظام اجتماعی تبیین شود؛ از این رو گستره آن از قتل، تجاوز، ضرب و جرح (نزاع)، تا خشونت علیه زنان، ولگردی، اوباشگری و برهم زدن نظم اجتماعی، تخریب و حتی خشونت های لفظی را در برمی گیرد (معظمی، 1390، ص 309). «خشونت با سلاح گرم یکی از علل مهم مرگ و میر در میان کودکان و نوجوانان در ایالات متحده و یک مشکل پیچیده در سلامت عمومی است. محققان خطرات اجتماعی و عوامل محافظتی را در سطح فرد، جامعه و سطح اجتماعی بررسی کرده اند و معتقدند علت آن می تواند بر اساس قصد افراد متفاوت باشد.» (مگان و الیزابت^۳، 2022، ص 498).

طبق آمار سازمان پزشکی قانونی، در سال 1400 تعداد 586276 پرونده نزاع به آن سازمان ارجاع شده که با 2.2٪ رشد مثبت در سال 1400 نسبت به سال 1399 افزایش یافته است. این میزان در استان تهران، 1.5٪ رشد مثبت

1- Gelles & Straus

2- Megaregee

3- Megan&&Elizabeth

داشت. در پرونده‌های سلاح سرد هم درصد تغییرات سال 1400 نسبت به سال 1399 در کشور، 1٪ رشد منفی را نشان می‌دهد؛ اما این میزان در تهران، 12.9٪ رشد مثبت داشت (پزشکی قانونی کشور، 1400). آمار پرونده‌های مربوط به دیگر کشتی در سال 1399 هم نشان می‌دهد رشد درصد تغییرات این پرونده‌ها در سال 1399 با تعداد 2520 پرونده نسبت به سال 1398 در کشور 6.1٪ رشد مثبت داشته است این در حالی است که بر اساس آمارهای ارائه شده توسط پزشکی قانونی آمار دیگر کشتی در کشور در سال 1399 نسبت به سال 1396، 16.98٪ رشد مثبت داشته است. (پزشکی قانونی کشور، 1399). این آمارها نشان می‌دهد که روند خشونت و اشکال آن در کشور در حال افزایش است؛ به گونه‌ای که در میان پرونده‌های قضایی، پرونده‌های این حوزه جزو پرونده‌های دارای فراوانی بالا است. بدون شک یکی از آثار و تبعات این افزایش خشونت در جامعه، به حوزه امنیت برمی‌گردد. در سال 1397 روزانه 232 مورد همسرآزاری در کشور رخ داده و 2488 پرونده در مورد کودک‌آزاری در پزشکی قانونی تشکیل شده است. در سال 98 نسبت به سال قبل، دوازده و نیم درصد روند رو به رشد داشته است. (موسوی چلک، 1400، ص 306). همچنین آمارها این موضوع را بیشتر مشخص می‌کنند که سلامت روانی - اجتماعی در کشور شرایط مناسبی ندارد و خشونت‌های فردی و اجتماعی بخشی از زندگی مردم شده است. فقدان یا ضعف در به‌کارگیری مهارت‌های ارتباطی، همچنین افزایش اختلالات روانی و مشکلات اقتصادی می‌توانند در گسترش انواع خشونت در جامعه تأثیرگذار باشند. به‌طور کلی، خشونت دارای پیامدهای فوری و بلندمدت جسمی، روانی و اجتماعی است که تأثیر گسترده‌ای بر سلامت و رفتار نوجوانان می‌گذارد. آسیب‌ها و سلامت نامطلوب اغلب تا بزرگسالی، به‌عنوان زخم‌های فیزیکی و روانی، هم برای مرتکبین خشونت و هم برای قربانی خشونت باقی می‌ماند (رایت و فیتزپتریک¹، 2006، ص 35).

1- Wright&&Fitzpatrick

با توجه به اینکه «طرد اجتماعی، فرایند جدایی فرد از اجتماعات و سازمان‌های اجتماعی است» (فیتزپتریک، 1381، ص 183)، این جدایی از اجتماعات و کاهش مشارکت‌های اجتماعی افراد می‌تواند عدم تعلق و وابستگی را نسبت به ارزش‌های مرسوم جامعه، ایجاد نماید. همچنین این امکان وجود دارد که افراد، خود را با هر آنچه که از نظر جامعه ارزشمند است هم‌سو نبینند و به سمت خشونت‌های اجتماعی و ارتکاب جرائم سنگین‌تر از قبیل قتل، سرقت، به مخاطره افتادن نظم و امنیت جامعه سوق داده شوند. «طرد اجتماعی سطوح مختلفی دارد شامل: سطح عینی طرد و سطح ذهنی طرد» (جهول و کوک¹، 2007، ص 111). از آنجا که تلقی و ارزیابی هر فرد از موقعیت و شرایط زندگی خود، تأثیر ویژه‌ای بر رفتارها و فعالیت و نیز مشارکت شخص در زندگی و تلاش او برای بهزیستی اجتماعی دارد، طرد در سطح ذهنی نیز در کنار طرد عینی، تأمل‌برانگیز و مهم است. در فرا تحلیل انجام‌شده در کلان‌شهر تهران در خصوص سرقت و نزاع نشان داده شده است که انزوا از خود و انزوای اجتماعی و همچنین دوری از ارزش‌ها و هنجارها با وقوع سرقت ارتباط داشته‌اند (گراوند و دلاور، 1397، ص 28 و 29) و کاهش مشارکت اجتماعی به‌عنوان یک متغیر مستقل در وقوع نزاع تأثیرگذار بوده است. دیکچ، طرد را به‌عنوان نقطه‌ای آغازین برای درک خاستگاه‌های خشم شهری می‌داند. (دیکچ، 1401، ص 38). از سویی دیگر بروس کوئن²، نیز «خشونت را به‌عنوان یک انحراف نتیجه نارسایی‌های موجود در یک فرهنگ و ساختار اجتماعی جامعه می‌داند. وقتی در جامعه‌ای محتوای فرهنگ عمومی دچار خلأ یا کاستی‌هایی می‌گردد و یا ارزش‌های متعالی که خوراک مناسب به فرهنگ هر جامعه می‌دهد دچار سوء کارکرد می‌شوند، فرهنگ اخلاقی جامعه دچار اضمحلال می‌گردد (محسنی، میکائیلی و طالب‌پور، 1395، ص 82). «اخلاق اجتماعی مجموعه‌ای از عقاید، ارزش‌ها و هنجارهایی هستند که نسبت به فرد، اموری بیرونی و مستقل تلقی می‌شوند و در جریان جامعه‌پذیری برای او درونی می‌شوند و به‌صورت جزئی از شخصیت او در می‌آیند و در نهایت، رفتار فرد را در جامعه تعیین می‌کنند و

1- Jehoel&cok

2- Bruce Kohen

به‌عنوان اخلاق اجتماعی محسوب می‌شوند.» (خوشفر، 1374، ص 2). بررسی صورت‌گرفته در شهر تهران در خصوص اخلاق اجتماعی (1393) نشان داده است که شاخص‌های مورد بررسی از جمله «احساس امنیت اجتماعی، راست‌گویی و صداقت» رو به افول است و نسبت به سال 2012 کاهش یافته است؛ به‌عنوان مثال 13.6٪ اعلام داشتند که به آنان حمله شده است، از 25.8٪ آنان سرقت شده است و 36.2٪ برای قدم‌زدن در شب احساس امنیت ندارند. همچنین 74.8٪ معتقد بودند که آدم‌های راست‌گو روز‌به‌روز کمتر می‌شوند و 54.6 درصد نیز سیاستمداران را در ایران راست‌گو نمی‌دانستند. 64.2٪ اعتقاد به کاهش صداقت در جامعه داشتند و 63٪ نیز معتقد بودند که اکثر مردم قابل‌اعتماد نیستند (آقاسی، آقازاده و رفیعی، 1393، ص 17 تا 19). از جمله مؤلفه‌های مهم در ترویج روابط انسانی سالم مبتنی بر احترام متقابل به حقوق یکدیگر، اخلاق و پایبندی به مؤلفه‌های اخلاقی است. آمارهای فوق‌گویی این نکته است که اخلاق در جامعه در حال تضعیف و افول است که از سال‌های قبل شاهد آن بوده‌ایم. این شرایط می‌تواند حتی عامل مهمی در کاهش امنیت یا افزایش هزینه‌های تأمین امنیت باشد. جامعه‌ای که در آن اخلاق تضعیف شود باید منتظر وقوع رفتارهای ناهنجار شدیدی باشد.

برخی از جامعه‌شناسان از جمله دورکیم معتقدند که ضعف اخلاق می‌تواند زمینه نزع را در جامعه افزایش دهد. او معتقد بود زندگی بدون وجود الزام‌های اخلاقی تحمل‌ناپذیر می‌شود و درنهایت نیز به شکل‌گیری پدیده‌ی آنومی می‌انجامد که اغلب مقدمه‌ای برای کجروی و نزع است (کوزر¹، 1393، ص 19). با توجه به بررسی موارد فوق، محقق با اتخاذ الگوی تفسیری در پی آن است که با نگاه عمیق به موضوع بپردازد. همچنین شرایط و بسترها، تعاملات و پیامدها را در محور اجتماعی مورد بررسی قرار دهد و به دنبال این پاسخ این پرسش باشد که چگونه رابطه‌ی خشونت اجتماعی و طرد اجتماعی در بستر اخلاق اجتماعی قابل تبیین است؟

پیشینه و مبانی نظری

صالح، ادهمی و کاظمی‌پور (1400) در پژوهشی با عنوان «نقش رفتارهای اجتماعی و پیامدهای خشونت» دریافتند که رفتارهای خشونت‌آمیز ریشه در عوامل فردی، خانوادگی و آموزشی دارد. در رابطه با عوامل خانوادگی، نحوه برخورد والدین با نیازهای فرزندان و تنبیه، تأثیر فیلم‌ها و شبکه‌های اجتماعی و ماهواره، پایگاه اقتصادی، دوستان بزهکار تأثیرگذار بوده است. در رابطه با عوامل آموزشی نیز ارتباط و تعامل اولیای مدرسه با دانش‌آموزان، محیط فیزیکی، نحوه تدریس و برخوردهای نامناسب انضباطی با دانش‌آموزان، محرومیت‌های تحصیل و الگوهای نامناسب رفتاری در مدرسه با خشونت در افراد ارتباط داشته است. قادرزاده و رستمزاده (1400) در پژوهشی با عنوان «تجربه طرد اجتماعی و خشونت‌ورزی در میدان مدرسه» نشان دادند که دانش‌آموزان، اختلال در بازشناسی، ملال و بیگانگی، نظم انضباطی، مراقبت ائتلافی و غلبه گفتمان کنکور و تک‌ساحتی‌شدن زندگی را در میدان مدرسه تجربه کرده‌اند. شرایط طردآمیز حامل معنایی از مدرسه برای دانش‌آموزان است که با معنای مسلط از مدرسه قرابتی ندارد و این معانی ضمنی، پشت صحنه بسیاری از منازعات و خشونت‌ورزی‌های دانش‌آموزان در مدرسه را شکل می‌دهد. در این زمینه، سه مقوله عمده «خشونت‌ورزی نسبت به دانش‌آموزان، معطوف به معلمان و معطوف به مدرسه» قابل دسته‌بندی است. زند، حقیقتیان و هاشمیان‌فر (1400) در پژوهشی با عنوان «بررسی میزان افسردگی، از خودبیگانگی، خودشکوفایی و سرمایه فرهنگی فرزند متأثر از خشونت نمادین واقع بر زنان متأهل در خانواده»، دریافتند که خشونت نمادین مانعی جدی برای رسیدن به خودشکوفایی زنان و رشد سرمایه فرهنگی فرزندان است و می‌تواند موجب از خودبیگانگی و افسردگی زنان شود و مشکلات زیادی در خانواده به وجود آورد.

محمدی، صداقت‌زادگان، اعظم آزاده و قاضی‌نژاد (1398) در پژوهشی با عنوان «مطالعه جامعه‌شناختی سلامت اجتماعی زنان منطقه اورامانات کرمانشاه: با تأکید بر نقش خشونت‌های اجتماعی»، دریافتند که از میان

متغیرهای اثرگذار (جامعه‌پذیری، هویت قومی، خشونت کلامی و نقش جنسیتی) بر سلامت اجتماعی، متغیر خشونت کلامی بیشترین تأثیر را بر سلامت اجتماعی زنان جامعه مورد تحقیق داشته است. ودادهیر و نادری (1398) در پژوهشی با عنوان «فرا تحلیل مطالعات سرقت در ایران» بر عوامل مؤثر بر سرقت متمرکز شدند. نتایج شیوع واقعی سرقت طی دو دهه گذشته، عددی را بین حداقل 1 درصد و حداکثر 4 درصد نشان می‌دهد و نتایج تحلیلی نمایانگر این است که سرقت در کشور برای طی دو دهه اخیر تا سال 1393 روند افزایشی داشته و سپس روند کاهشی پیدا کرده است؛ این بدان معنا است که برنامه مداخله‌ای برای بعد از سال 1393، روند نزولی شیوع سرقت را به همراه داشته است. خانعلی‌زاده و تاج‌الدین (1397) در پژوهشی با عنوان «عوامل اجتماعی مؤثر بر بروز خشونت در فضای عمومی شهر تهران»، نشان دادند که بین محرومیت اجتماعی و شاخص‌های آن (از خودبیگانگی، انزوای اجتماعی و عدم رضایت از زندگی) با بروز خشونت ارتباط مثبت و مستقیم وجود دارد. همچنین بین مدارای اجتماعی و شاخص‌های آن و سرمایه اجتماعی و شاخص‌های آن با بروز خشونت ارتباط منفی و معکوس وجود دارد. محسنی، میکائیلی و طالب‌پور (1395) در پژوهشی با عنوان «تبیین جامعه‌شناختی رابطه بین فضاهای بی‌دفاع شهری با خشونت‌های شهری» دریافتند که میزان بروز خشونت‌های شهری در فضاهای مختلف شهری به یک میزان نیست و برخی فضاهای شهری (فضاهای بی‌دفاع) به سبب ویژگی‌های کالبدی و اجتماعی به صورت بالقوه پذیرای خشونت هستند و بستری مطمئن برای فعالیت‌های امنیتی‌زدا و خشونت‌آمیز فراهم می‌کنند. در مناطق مختلف شهری میزان وقوع خشونت، تفاوت معناداری دارد.

بانرجی¹ (2020)، در پژوهشی با عنوان «شناسایی عوامل خشونت جنسی علیه زنان و حمایت از حقوق آن‌ها در بنگلادش» نشان داده است که ساختار اجتماعی مردسالار، ازدواج اجباری، اقدامات فرهنگی، موانع دسترسی به عدالت

از عوامل اصلی خشونت جنسی در بنگلادش است. اسلام، جهان و حسین^۱ (2018) مطالعه‌ای با عنوان «خشونت علیه زنان و اختلال روانی» در بنگلادش انجام داده‌اند. در این پژوهش، چهار درک نظری در مورد نقش خشونت در اختلالات روانی شناسایی شد؛ گاهی خشونت زمینه را برای بیماری روانی فراهم می‌آورد؛ گاهی اوقات آن را تسریع می‌کند؛ گاهی که بار دیگر ادامه می‌یافت، نتیجه همان نتیجه قبل بود و بعضی اوقات ممکن بود خشونت ارتباطی با بیماری روانی نداشته باشد. این روابط پیچیده بوده و هم به نوع اختلال روانی و هم به ماهیت و شدت خشونت بستگی داشت. این محققان دریافته‌اند بیشتر اوقات که بیش از یک نوع خشونت درگیر بوده و بیش از یک نقش داشته است که در انواع مختلف اختلالات روانی متفاوت است. ونگ، یانگ، ژائو، سی و لی^۲ (2018) مطالعه‌ای جامع با عنوان «حالت خشم و پرخاشگری: یک مدل واسطه تعدیل‌شده از نشخوار خشم و انزوای اخلاقی» انجام دادند که نتایج آن نشان داده است حالت خشم به‌طور مثبت و معنی‌داری با پرخاشگری ارتباط دارد و نشخوار خشم واسطه این رابطه است. مور، گوبین، مک‌کالی، کائو، آنتونی، کوبیاک و جانسون^۳ (2018) مطالعه‌ای با موضوع «رابطه اختلال شخصیت مرزی با پرخاشگری، بزه‌دیدگی و سوءرفتار نهادی در بین زندانیان» انجام داده‌اند. نتایج نشان داده است که در میان زندانیان مبتلا به MDD، کسانی که تشخیص BPD دارند، خطر پرخاشگری روانی و تخلفات انضباطی را در طول حبس افزایش می‌دهند. سیلور^۴ (2015) در پژوهش خود درباره طرد اجتماعی نشان داده است که طرد اجتماعی، گسستن پیوند اجتماعی است. این روند کاهش مشارکت، دسترسی و همبستگی است. طرد اجتماعی در سطح جامعه، انسجام یا ادغام اجتماعی ناکافی را منعکس می‌کند و در سطح فردی، این امر به ناتوانی در مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی متعارف و ایجاد روابط اجتماعی معنی‌دار اشاره دارد. معنای اصلی محرومیت اجتماعی بر فاصله اجتماعی،

1- Islam, Jahan & Hossain

2- Wang, Yang, Gao, Zhao, Xie & Lei

3- Moore, Gobin, McCauley, Kao, Anthony, Kubiak & Johnson

4- Silver

حاشیه‌نشینی و ادغام ناکافی تأکید می‌کند. رایت و فیتزپتریک (2006) در پژوهشی با عنوان «سرمایه اجتماعی و رفتار خشونت‌آمیز نوجوانان: ارتباط دعوا و استفاده از سلاح در دانش‌آموزان دبیرستانی» نشان دادند اهمیت اعتماد بین فردی و کنترل اجتماعی حاصل از روابط سازنده و منسجم، منابع ملموس‌تر موجود در حوزه خانواده، مدرسه و محله را تحت‌الشعاع قرار داده است. والدینی که با فرزندان خود در ارتباط هستند، سرمایه اجتماعی را در خانواده انباشته می‌کنند. سرمایه اجتماعی که از طریق اختصاص دادن زمان و توجه کردن ایجاد می‌شود، احتمال رفتار خشونت‌آمیز را کاهش می‌دهد و در نتیجه احتمال رشد موفقیت‌آمیز مهارت‌های عاطفی و اجتماعی را برای کودک بهبود می‌بخشد.

مروری بر پژوهش‌های انجام‌شده نشان می‌دهد که در اکثر این پژوهش‌ها به خشونت و ابعاد گسترده آن پرداخته شده است؛ لیکن اکثر این پژوهش‌ها (فرا تحلیل‌ها و نگرش‌سنجی‌ها) تجربه افرادی را که مورد خشونت واقع شده‌اند مورد بررسی قرار داده و افراد خشونت‌کننده در این پژوهش‌ها کمتر مورد بررسی قرار گرفته‌اند. ضمن اینکه اکثر پژوهش‌ها در حوزه خشونت‌های خانگی (خشونت علیه زنان و کودکان) بوده است و خشونت‌های اجتماعی کمتر مورد توجه قرار گرفته‌اند. همین امر موجب شده است که موضوع این پژوهش، خشونت اجتماعی و طرد اجتماعی در نظر گرفته شود و به جای تمرکز بر افراد خشونت‌دیده بر افراد خشونت‌کننده متمرکز شود. پژوهشگران به دنبال توضیح این مسئله هستند که خشونت فقط در میان قشر آسیب‌پذیر نیست بلکه خشونت برآمده از انگاره‌های ما از جامعه و پیرامون ماست. پژوهشگران سعی کرده‌اند که بستر اخلاق اجتماعی را که افراد مرتکب خشونت اجتماعی در آن رشد کرده‌اند و به آن پایبند هستند را نیز بررسی و مدنظر قرار دهند؛ نکته‌ای که در پژوهش‌های صورت‌گرفته بررسی نشده است.

خشونت اجتماعی

یکی از مسائل اجتماعی فرا روی بشر «خشونت» با ابعاد و اشکال گسترده آن است؛ مسئله‌ای که جهان امروز با پیشرفت‌های علمی همچنان برای مهار آن تلاش می‌کند. خشونت، رفتاری است که با هدف آسیب‌رساندن به دیگری

سر می‌زند و دامنه آن از تحقیر و توهین، تجاوز و ضرب و جرح تا تخریب اموال و دارایی و قتل گسترده است (صدیق سروستانی، 1387، ص 113). یکی از ابعاد خشونت، «خشونت اجتماعی» است که طیف گسترده‌ای از قتل تا خشونت‌های کلامی را شامل شود. این‌گونه رفتارهای خشونت‌بار، نظم اجتماعی را مختل می‌سازد و هزینه‌های هنگفتی برای برقراری نظم و امنیت و مهار خشونت به مردم تحمیل می‌کند.

طرد اجتماعی

طرد اجتماعی، فرایندی است که طی آن روابط بین افراد و جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند، نقض و سست می‌شود و در نتیجه، فرد در معرض انواع مخاطرات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی قرار می‌گیرد. از آنجا که فعالیت جوانان در عرصه‌های اجتماعی منوط به پذیرش آن‌ها از سوی سایر افراد و گروه‌های اجتماعی است، این طردشدگی خود می‌تواند زمینه را برای خشونت و بزهکاری یا خشونت مجدد آنان فراهم کند. از نظر سن^۱، طرد اجتماعی ابزاری می‌تواند منجر به محرومیت‌های دیگر شود و فرصت‌های زندگی ما را محدود کند (سن، 1885، ص 14 - 12). طرد اجتماعی به معنای محروم شدن از مشارکت در نهادهای اجتماعی و نقض حقوق انسانی و مدنی تعریف شده است (غفاری و تاج‌الدین، 1384، ص 39). طرد اجتماعی به محرومیت چندبعدی و طولانی‌مدت که شامل جدایی از جریان اصلی محیط اجتماعی - فرهنگی و شغلی جامعه می‌شود، اطلاق می‌گردد (رم^۲، 1994، ص 25).

اخلاق اجتماعی

اخلاق در سطوح متفاوت ساختار فرهنگی و اجتماعی وجود دارد. در سطوح کلان در ارزش‌های درست - غلط، خوب و بد و مناسب - نامناسب ظهور می‌یابد که گاهی شکل ایدئولوژی هم پیدا می‌کند و در درون نهادهای جامعه مثل اقتصاد، خویشاوندی، سیاست، حقوق، دین و دیگر حوزه‌های زندگی اجتماعی

1- Sen

2- Room

مطرح است (ترنر¹، 2010، ص 125). اخلاق اجتماعی به‌عنوان ارزش‌ها و قواعد رفتار در جامعه، موضوع بررسی قرار می‌گیرد؛ لذا این قواعد رفتار، مجموعه‌ای از عقاید، ارزش‌ها و هنجارهایی هستند که نسبت به فرد، اموری بیرونی و مستقل تلقی می‌شوند و در جریان جامعه‌پذیری برای او درونی می‌شوند و به‌صورت جزئی از شخصیت او در می‌آیند و درنهایت، رفتار فرد را در جامعه تعیین می‌کنند و به‌عنوان اخلاق اجتماعی محسوب می‌شوند (خوشفر، 1374، ص 2).

روش

با توجه به اهداف تحقیق، از «روش تحقیق کیفی» و نظریه زمینه‌ای (اشتراوس و کوربین) و بر اساس پارادایم برساختی - تفسیری جهت تبیین نظری استفاده شده است. در این پژوهش، مصاحبه‌شوندگان از بین زنان و مردانی انتخاب شده‌اند که مرتکب حداقل یک مورد خشونت اجتماعی از جمله قتل، تجاوز، ضرب و جرح (نزاع)، خشونت علیه زنان و کودکان، اعتیاد، فرار، شورش، ولگردی، اوباشگری و برهم‌زدن نظم اجتماعی، تخریب و حتی خشونت‌های لفظی مانند هتک حرمت، توهین و ناسزا شده‌اند تعداد کل مصاحبه‌شوندگان پس از رسیدن به اشباع داده‌ها، 27 نفر شامل 12 زن و 15 مرد بود. از روش نمونه‌گیری هدفمند چندگانه شامل نمونه‌گیری‌های همگون، نظری، تأییدی و غیر تأییدی استفاده شد. در نمونه‌گیری همگون دو گروه پیدا کردیم که هیچ کدام از گروه‌ها در زندان نبودند؛ اما از این دو گروه، یکی درگیر قانون و زندان شده‌اند و دیگری درگیر قانون نشده‌اند و صرفاً با دستور قضایی برای دریافت حمایت‌های اجتماعی به مراکز مرتبط معرفی شده بودند؛ یعنی میزان جرائم افراد گروه‌ها از خفیف و سطحی تا جرائم سنگین در خشونت‌های اجتماعی بوده است.

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها که از طریق مصاحبه عمیق با افراد اقدام‌کننده به انواع خشونت‌های اجتماعی به‌دست آمده است، سعی کرده است تا با ورود به دنیای ذهنی و معنایی مصاحبه‌شوندگان به تفسیر داده‌های مصاحبه‌ای و

مشاهده‌ای و مفهوم‌سازی این داده‌ها پردازد. مصاحبه‌ها با افراد تا زمانی که از لحاظ مفهومی به اشباع نظری رسیدند ادامه داشته است. برخی از مهم‌ترین معیارهای تحقیق کیفی اعتمادپذیری^۱، باورپذیری^۲ و انتقال‌پذیری^۳ است (فلیک^۴، 1393، ص 420) که معادل کمی آن‌ها به ترتیب، روایی، پایایی و تعمیم‌پذیری است. برای بررسی استحکام داده‌ها در این پژوهش، از معیارهای مذکور استفاده شده، سپس با روش سیستماتیک (اشتراوس و کوربین) سه مرحله اصلی کدگذاری (باز، محوری و انتخابی) انجام شد.

یافته‌های تحقیق

یافته‌های توصیفی

جدول شماره 1: مشخصات جمعیت‌شناختی مشارکت‌کنندگان

جنسیت	فراوانی	درصد
زن	12	44.4
مرد	15	55.5
جمع	27	100

سن	20 تا 30 سال	01 تا 40 سال	41 تا 50 سال	51 تا 60 سال
درصد	33.3	22.2	26	18.5

تحصیلات	بی‌سواد	زیر دیپلم و دیپلم	کاردانی	کارشناسی
درصد	3.7	74.1	1.1	11.1

وضعیت تأهل	متأهل	صیغه موقت	مجرد	مطلقه	همسر فوت‌شده
درصد	26	3.7	48.1	18.5	3.7

- 1- Trustworthiness
- 2- Credibility
- 3- Transferability
- 4- Flick

یافته‌های استنباطی

جدول شماره 2- جدول طبقات و مقولات احصاء شده

مقوله‌های ثانویه	مقوله‌های اولیه	مفاهیم (کدگذاری باز)
	ضرب و جرح	ضرب و جرح / خشونت خانگی
	قتل	معاونت در قتل / قتل / تهدید به قتل
	خرید و فروش مواد مخدر	خرید و فروش مواد مخدر / حمل و جابجایی مواد مخدر / اشاعه مواد مخدر
ارتکاب جرم (راهبرد)	آدم‌ربایی	آدم‌ربایی
	سرقت	سرقت (سرقت از مغازه، سرقت از خانه)
	کلاهبرداری	کلاهبرداری
	اوباشگری	مصرف الکل / فرار از مدرسه / لات‌بازی / ولگردی / فحاشی
	روسپیگری و قوادی	روسپیگری و روابط نامشروع / حضور در خانه‌های فساد / روابط جنسی متعدد / قوادی
دلایل و پیش‌زمینه‌های ارتکاب جرم (مداخله‌گر)	زمینه‌های فردی، خانوادگی، اجتماعی و فرهنگی	دسترسی به مواد مخدر در خانه و جامعه / انتقام / ضرب و شتم افراد در کودکی در خانواده / فوت پدر یا مادر یا یکی از اعضای خانواده / تحقیر و توهین در خانواده / سابقه جرم در خانواده / عدم پذیرفته شدن از سوی خانواده جامعه / عدم اعتماد به نفس / وجود الگوهای تربیتی و فرهنگی غلط در خانواده و جامعه / کمبود امکانات رفاهی، اجتماعی و مالی
		بیماری و مرگ عزیزان / از هم‌گسیختگی خانواده / طلاق و دوری از خانواده / افزایش امید به زندگی / ترس از بی‌آبرویی
علل پشیمانی از ارتکاب خشونت و جرم (راهبرد)	بیماری و مرگ عزیزان	بیماری اعضای خانواده / مرگ نزدیکان
	از هم‌گسیختگی خانواده	طلاق و دوری از خانواده
	افزایش امید به زندگی	امید به زندگی
	ترس از بی‌آبرویی	ناراحتی و بی‌آبرویی خانواده
	تنهایی	تنهایی
	فقدان مشارکت اجتماعی (علی)	طرد از خانواده / طرد از دوستان و اقوام / ضعف روابط با دولت / ضعف روابط با جامعه
طرد اجتماعی (علی)	عدم دسترسی به خدمات اجتماعی (علی)	کمبود امکانات / بازماندگی از تحصیل / عدم دسترسی به خدمات تخصصی یا ورانه
	عدم دسترسی به بازار کار (علی)	نداشتن موقعیت شغلی
	اختلافات طبقاتی (زمینه‌ای)	توزیع نامناسب ثروت

بی‌عدالتی و فاصله اجتماعی

مقوله هاسته	مقوله های ثانویه	مقوله های اولیه	مفاهیم (کدگذاری باز)
عدم امنیت اجتماعی و روانی (پیامدها)	عدم امنیت روانی/ احساس ناامنی	ترس، ناامیدی و یأس	
بی اعتمادی و آزدگی اجتماعی (پیامدها)	عدم امنیت جانی	ترس از آسیب جسمی	
	عدم امنیت محیط زندگی (زمینه ای)	ناامن بودن خانه و محله	
بی اعتمادی و آزدگی اجتماعی (پیامدها)	بی عدالتی آموزشی (بی توجهی به آموزش های اساسی)	عدم دسترسی به آموزش در خانواده، مدرسه و جامعه	
	انگ اجتماعی و از دست دادن اعتماد اجتماعی	داشتن نگاه بدبینانه (بدنامی)/ داشتن سوء پیشینه	
	بی عدالتی قضایی	عدم قضاوت صحیح/ بی توجهی به علل وقوع جرم	
	بد سرپرستی	نداشتن سرپرست مؤثر	
بی سرپرستی و بد سرپرستی (مداخله گر)	گسیختگی خانوادگی	از هم پاشیدگی بنیان خانواده/ اختلافات خانوادگی	
	کودک آزاری	کار کودک/ ضرب شتم کودک/ آزارهای عاطفی، روانی و غفلت	
	زمینه های جرم در خانواده	اعتیاد/ آسیب اجتماعی و جرم در خانواده	
	بی سرپرستی	از دست دادن سرپرستان اصلی	

جدول شماره 3: شرایط و راهبردها و پیامدها در محور اجتماعی

عدم دسترسی به خدمات اجتماعی مناسب (عدم دسترسی مناسب به خدمات حمایتی و یاورانه در طول زندگی، کمبود امکانات در محل زندگی و خانه، بازماندگی از تحصیل)	شرایط علی	عدم دسترسی به بازار کار و موقعیت های شغلی و اجتماعی	فقدان مشارکت اجتماعی (روابط با دولت، روابط با جامعه)	زمینه های فردی (خشم و انتقام جویی، تحقیر و توهین)	پدیده اصلی (مقوله هاسته)
کمبود امکانات رفاهی و مالی (مشکلات مالی و امکانات رفاهی و اجتماعی در جامعه، دسترسی به مشاغل با درآمد پایین)	بستر حاکم (شرایط زمینه ای)	اختلاف طبقاتی در جامعه و توزیع نامناسب ثروت	نبود امنیت در خانه و محله	محل زندگی (محله) پرآسیب	در محور اجتماعی: بی عدالتی و فاصله اجتماعی
زمینه های فردی، خانوادگی (اعتیاد در خانواده، ضرب و شتم، عدم پذیرش از سوی خانواده، عدم اعتماد به نفس، الگوهای تربیتی و فرهنگی غلط در خانواده، فوت	شرایط مداخله گر				

سرپرست)	
بی‌سرپرستی و بدسرپرستی (نداشتن سرپرست مؤثر گسیختگی خانواده، کودک‌آزاری و زمینه‌های جرم در خانواده)	
راهبردها (تعاملات / استراتژی‌ها)	ارتکاب جرائم پشیمانی و ندامت از ارتکاب جرائم
افزایش خشونت‌های اجتماعی و تکرار جرم طرد از خانواده، دوستان، اقوام ازهم‌پاشیده شدن کانون خانواده پیامدها نبود امنیت روانی و اجتماعی در فرد و جامعه (عدم امنیت جانی و روانی و احساس ناامنی و ترس، ناامیدی و یأس) افزایش بی‌اعتمادی و آزدگی اجتماعی (انگ اجتماعی، بی‌عدالتی قضایی و آموزشی)	

شرایط علی

در این پژوهش، طرد اجتماعی افراد در چند مؤلفه مورد بررسی قرار گرفته است. فقدان مشارکت اجتماعی که به واسطه طرد از سوی خانواده، دوستان و اقوام، روابط با دولت و جامعه برای فرد اتفاق افتاده است. عدم دسترسی به خدمات اجتماعی به‌عنوان مؤلفه‌ای دیگر در طرد اجتماعی که به واسطه کمبود امکانات در محل زندگی و خانه، بازماندگی از تحصیل، عدم دسترسی به خدمات تخصصی یاورانه در محله و مدرسه ایجاد شده است. مؤلفه‌های دیگر عدم دسترسی افراد به بازار کار و نداشتن موقعیت‌های شغلی مناسب بوده است. افرادی که به واسطه عدم ارتباط با والدین، خواهر و برادر و بی‌توجهی توسط خانواده به نیازهای آنان گوشه‌گیر یا ترک خانه کرده‌اند و بی‌سرپناهی و کارتن‌خوابی را تجربه کرده‌اند و یا به دلیل ترس اقوام و دوستان از سوءسابقه فرد و ترس از آبروی خود و آسیب به خانواده با فرد قطع ارتباط نموده‌اند، طرد اجتماعی خانواده و دوستان و اقوام را به شدت تجربه کرده‌اند. «آن موقع بیشتر زندگی‌ام با دروغ بود. اعتماد نبود به من و عادت کرده بودم به این زندگی خراب. پل‌های پشت سر خودم را خراب کردم. موقعی که مادرم زنده بودم اقوام پیش ما می‌آمدند ولی بعد کلاً با هیچ کس رابطه‌ای نداشتیم. آن موقع خیلی

رفت و آمد بود و خیلی مهمانی دوست داشتیم. همه از ما راضی بودند ولی یک دفعه اینجوری شد و دیگر به من اعتماد نداشتند.» (آقای کد 5).

طرد از سوی جامعه و دولت نیز از جمله مواردی است که افراد را از مشارکت اجتماعی منع کرده است. عدم حمایت مسئولان از افراد بعد از برگشت از زندان و خلاف، برچسب خوردن و تحقیر شدن توسط جامعه، بی تفاوتی نسبت به مشکلات این افراد و ... از جمله مشکلات این افراد بوده است. «من الآن خیلی از زندگی ناامید هستم؛ شرایط خیلی سخت است. من می‌خواهم مثل آدم‌های معمولی زندگی کنم ولی نمی‌شود. آدم همیشه باید یک پشتوانه داشته باشد ولی الآن اصلاً این نیست. آدم‌هایی مثل من خیلی هست ولی حمایتی نیست.» (خانم کد 22).

عدم دسترسی به خدمات اجتماعی نیز به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های طرد اجتماعی در افراد مورد مصاحبه بررسی شده است. در دسترس قرار ندادن خدمات اجتماعی و منابع جامعه فرصت‌های بسیاری را از افراد گرفته و بر رفاه اجتماعی آنان تأثیر می‌گذارد. طرد افراد از امکانات لازم از جمله سیستم‌های آموزشی، اجتماعی و اشتغال موجب تداوم بیشتر فقر و نابرابری در افراد می‌شود. افراد برای برخورداری از زندگی سالم و فعال نه تنها نیاز به تأمین خوراک و پوشاک و مسکن دارند بلکه باید بتوانند از خدمات ضروری در جامعه از جمله امکانات آموزشی و مهارتی و حمایتی جامعه نیز بهره‌مند باشند. بی‌توجهی به این امر می‌تواند ضمن تشدید طرد اجتماعی در افراد، آنان را به سوی ارتکاب مجدد خشونت‌های اجتماعی بکشاند.

شرایط زمینه‌ای

اختلافات طبقاتی و توزیع نامناسب ثروت

افراد در شرایطی زیست کرده‌اند که به‌نوعی با کمبود امکانات رفاهی و مالی به‌واسطه مشکلات مالی و عدم دسترسی به مشاغل با درآمد مناسب، وجود اختلاف طبقاتی در جامعه و توزیع نامناسب ثروت، بستری برای رشد کودکان و نوجوانان بوده است. «فاصله طبقاتی و وضع مالی و اقتصادی خیلی بد بود اما

با کسی کاری نداشتم. رفت و آمد اصلاً نداشتم و با زور منو می بردن. موقع بچگی می بردن ولی اصلاً دوست نداشتم. یک بار منو خانواده دوستم زدند که چرا با پسر ما رفت و آمد می کنی و من دیگه بدم اومد و نرفتم. کلاً وقتی اینجوری گفتن باعث شد من طرد بشم و رفتم توی تنهاییم.» (آقای کد 6).

نبود امنیّت در خانه و محیط زندگی

بررسی ها نشان داده است که بسیاری از مصاحبه شوندهگان در محیطی رشد کرده اند که به صورت مستمر با جرم و خلاف در خانه، محله، زندان و خیابان آنان روبه رو بوده اند. مشاهده رفتارهای خلاف همچون مصرف مواد مخدر، خرید و فروش و توزیع مواد مخدر، روابط آزاد جنسی، اوباشگری، زور گویی، دعوا و درگیری، ضرب و جرح و... در بستر خانواده و جامعه به ویژه محل زندگی باعث شده است تا افراد در برخورد با مشکلات و بحران های زندگی از شیوه های یاد-گرفته شده (خلاف) برای حل مسئله خود استفاده کنند.

«موقعی که با مادرم بودم میدان ... بودیم و وضع زندگی ما افتضاح بود من پنج ساله بودم، دیدم مادرم با چند نفر مصرف می کند؛ اوور دوز کرد و با همه آن ها آنجا رابطه جنسی داشت. جلوی چشم من و همین ها باعث شد من الآن این مشکلات را داشته باشم.» (خانم کد 19).

شرایط مداخله گر

دلایل و پیش زمینه های ارتکاب جرم: عوامل فردی، خانوادگی و اجتماعی می تواند بر انجام رفتارهای خشونت آمیز تأثیر داشته باشد. این زمینه ها در طول زندگی افراد، شرایطی را برای انجام خشونت های اجتماعی مهیا کرده است. دسترسی به مواد مخدر در محیط خانه و محل زندگی افراد که به واسطه مصرف و توزیع آن توسط والدین، اقوام و نزدیکان وجود داشته است، علاوه بر اینکه کودکان را با نحوه مصرف آن آشنا نموده، آنان را به سوی استفاده از آن نیز سوق داده است. «کنجکاوی من باعث شد به سراغ جاساز پدرم بروم و بخوایم مواد را امتحان کنم. پدرم مواد مصرف می کرد و من می دیدم. من هم گاهی گریزی مصرف می کردم.» (آقای کد 5).

در خانواده‌هایی که با مشکل مالی روبه‌رو بوده‌اند، خرید و فروش مواد مخدر ابزاری برای کسب درآمد فوری برای کودک و خانواده شده است. گاهی کودکان ابزاری پنهان برای توزیع مواد توسط والدین و نزدیکان بوده‌اند؛ به طوری که توزیع مواد در بین سایر کودکان و نوجوانان در سطح محله، خیابان، مدرسه نیز اتفاق افتاده است. «در یازده سالگی همراه با پدرم توزیع‌کننده مواد بودم. چون چهرهٔ مظلومی داشتم کسی به من شک نمی‌کرد.» (آقای کد 4).

انتقام نیز به عنوان یکی دیگر از زمینه‌های بروز خشونت اجتماعی در برخی از افراد بوده است که به دلیل احساس خشم و نفرت از اطرافیان و مقصران (از دیدگاه افراد) ایجاد شده است. انتقام یک شکل بدوی از اعمال عدالت است که اغلب به عنوان یک عمل مضر در برابر یک فرد یا گروه تصور می‌شود. برخی از مصاحبه‌شوندگان به صورت کاملاً واضح بیان کردند که قصد انتقام از افرادی را داشته‌اند که از نظر آنان مقصر وقوع مشکلات در زندگی آنان بوده‌اند. «پسری بود اون موقع هجده ساله بود. از من 8 سال بزرگ‌تر بود و اون گفت که یادگاری بابام بود را گفت می‌خوام، بهش گفتم نمی‌فروشم. بعدش اون که سنش و هیکل و جثه از من بزرگ‌تر بود اون گفت رو برداشت و کشت و من تا دو شبانه‌روز گریه می‌کردم. گفتم یک روزی چنان انتقامی از تو بگیرم که روح پدرم شاد بشه. حدوداً ده سال بعد ازدواج کرد. من با اون طرح رفاقت ریختم و به این واسطه معتادش کردم... اون آدم هنوز که هنوزه الآن سی‌وهشت سالشه معتاده. چندین بار ترک کرد و درست نشد زنش رو طلاق داد و بچه‌هاش همه رفتند.» (آقای کد 9).

زمینه‌های دیگری از جمله ضرب و شتم در کودکی توسط والدین، تحقیر و توهین در خانواده، نداشتن اعتماد به نفس، وجود الگوهای تربیتی و فرهنگی غلط در خانواده و جامعه و وجود سابقهٔ جرم در خانواده نیز از جمله زمینه‌های اقدام افراد به رفتارهای خشونت‌آمیز بوده است. برای قربانیان خشونت خانگی، معمولاً حملات فیزیکی، بدرفتاری عاطفی و سایر آزارهای متحمل شده اتفاق می‌افتد. در مورد کودکان باید اضافه کرد که کودکانی که شاهد آزار مادران، پدران یا سایر اعضای خانواده خود هستند، نیز تحت تأثیر خشونت خانگی قرار

می‌گیرند، حتی اگر خودشان به‌طور مستقیم قربانی خشونت خانگی نباشند. نوجوانانی که شاهد آزار و اذیت هستند، ممکن است رفتارهای منفی مانند دعوا با اعضای خانواده یا ترک مدرسه داشته باشند. آن‌ها ممکن است علاوه بر داشتن عزت‌نفس پایین، رفتارهای پرخطری، مانند رابطه جنسی محافظت‌نشده و مصرف الکل یا مواد مخدر داشته باشند. آن‌ها ممکن است شروع به دعوا و آزار و اذیت کنند و با قانون دچار مشکل شوند. این نوع رفتار در پسران نوجوانی که در دوران کودکی مورد آزار قرار می‌گیرند بیشتر از دختران نوجوان دیده می‌شود. دختران بیشتر از پسران در معرض گوشه‌گیری و تجربه افسردگی هستند. کودکانی که شاهد خشونت خانگی هستند و کودکانی که مورد آزار و اذیت قرار می‌گیرند، ممکن است اثرات روان‌شناختی و رفتاری مشابهی از خود بروز دهند. «خانواده مادرم و مادرم خیلی خوب بودند ولی پدرم نه، من و مادرم را خیلی کتک می‌زد. بچه بودم؛ خیلی می‌زد مادرم می‌آمد جلوی من را بگیرد او را هم می‌زد. وقتی با مادرم جر و بحث می‌کرد من درگیر می‌شدم. ... رفتم بیرون از خانه درگیر شدم و مجبور شدم به او دیده بدهم با اینکه تقصیر او بود و داشت بی‌ناموسی می‌کرد؛ این مسائل برای من هم از اول خیلی مهم بود.» (آقای کد 24).

این کودکان معمولاً بیشتر در معرض خطر برای رفتارهای درونی مانند اضطراب و افسردگی و رفتارهای بیرونی مانند دعوا، قلدری، دروغ‌گویی یا تقلب کردن هستند. همچنین آن‌ها در خانه و مدرسه نافرمانی بیشتری از خود نشان می‌دهند و به احتمال زیاد مشکلات اخلاق اجتماعی مانند مشکل در روابط با دیگران دارند و از خشونت به‌عنوان وسیله‌ای برای حل تعارض استفاده می‌کند. «یک بار در مدرسه دعوا کردم سر یک دفتر مشق. دفتر من بود؛ اسم من روی دفتر بود ولی دفترم را به‌زور برداشتند و از من گرفتند و برای همین دعوا کردم. اگر ببینم دعوای ناحقی هست یا کسی دارد زور می‌گوید برایم مهم است.» (آقای کد 18).

فوت‌والدین یا یکی از اعضای خانواده، پذیرفته‌نشدن از سوی خانواده و جامعه قبل یا بعد از ارتکاب رفتارهای خشونت‌آمیز، کمبود امکانات رفاهی و

اجتماعی و مالی، نیز در ارتکاب خشونت توسط افراد تأثیر داشته‌اند. کودکانی که از فقدان خانواده یا خانواده‌های نامناسب رنج می‌برند، ممکن است در دوران تحصیل و مراحل زندگی با مشکل مواجه شوند و بحران‌هایی همچون افسردگی، وابستگی دله‌ره‌آمیز، ترس، گریه‌های شبانه، شب‌اداری، عدم اعتماد به نفس، وابستگی‌های پی‌درپی به افراد مختلف و توانایی ضعیف برای برقراری ارتباط با اطرافیان و محیط اجتماعی را تجربه کنند. «موقعی که مادرم زنده بود، اقوام پیش ما می‌آمدند ولی بعد با هیچ کس رابطه‌ای نداشتیم. آن موقع خیلی رفت‌وآمد. همه از ما راضی بودند ولی یک‌دفعه اینجوری شد و دیگر به من اعتماد نداشتند. رفتارها خیلی سرد شد. ... همیشه دوست داشتم خانواده‌ام در جریان کارم باشند ولی هیچ کس پیگیر من نبود. اگر کسی پشتم بود و به من امید می‌داد و شرایط و امکانات بهتر بود دنبال اعتیاد و ضرب‌وجرح و پرخاشگری نمی‌رفتم.» (آقای کد 5).

کمبود امکانات رفاهی، اجتماعی و مالی نیز از جمله زمینه‌های بروز خشونت در افراد بوده است. با نگاهی به شرایط اجتماعی بسیاری از کشورها که سرانه درآمد پایینی دارند، درمی‌یابیم که بسیاری از مردم توان تأمین مخارج و معیشت خود را ندارند؛ درحالی که یکی از کارکردهای مهم دولت، تأمین حداقل احتیاجات و خدمات عمومی است. کمبود امکانات رفاهی و اجتماعی و مالی می‌تواند در ایجاد و تشدید خشونت اجتماعی در افراد سهم مهمی داشته باشد. «مشکلات خیلی زیادی داشتیم الآن هم خیلی مشکلات زیاد شده. شرایط این مملکت برای زندگی خیلی سخت است. بیکاری زیاده. اصلاً کار نیست و هیچ جوری نمی‌شود پول درآورد.» (آقای کد 26).

با توجه به اینکه منشأ بسیاری از رفتارهای افراد به خانواده برمی‌گردد، شخصیت اولیه در کودکان و نوجوانانی که به هر دلیلی سرپرست مؤثر ندارند به‌درستی شکل نخواهد گرفت. احساس پذیرفته‌نشدن یکی از بدترین احساساتی است که به دنبال بی‌توجهی، بی‌احترامی، توهین و خشونت از سوی اعضای خانواده یا جامعه به افراد دست می‌دهد. چگونگی برخورد دوستان، افراد فامیل و همسایگان، فرد را در معرض انواع مخاطرات اقتصادی، اجتماعی و

فرهنگی قرار می‌دهد و می‌تواند زمینه را برای خشونت و بزهکاری آنان فراهم کند. بی‌سرپناهی، گورخوایی، کارت‌ن‌خوایی، فرار از خانه و مدرسه از جمله پیامدهایی بوده است که به دلیل پذیرفته‌نشدن از سوی خانواده و جامعه برای افراد مورد مصاحبه در این پژوهش ایجاد شده بود. «از بچگی یاد گرفتم مواد کشیدن و قمه کشیدن و چاقوکشی و نزاع برای بقا باید انجام بدم. چوب‌خط من پیش همه پر بود بس که به همه دروغ گفته بودم. اولین نفرشان مادرم بود. از طرفی می‌دیدم مادرم که مرا طرد کرده و از طرفی اجتماع منو ترک کرده و هیچ جایی محل ندارم. ده سال عمرم به‌خاطر نزاع زندان بودم؛ به‌خاطر چاقوکشی و قمه‌کشی و به‌خاطر حمل مواد مخدر. این امر باعث شد که زنم طلاق بگیره. دو تا دخترها رو هم برد. تمام این‌ها باعث شد که عاقبت من کشیده بشه به کارت‌ن‌خوایی و حتی گورخوایی.» (آقای کد 8).

راهبردها

ارتکاب جرم: جرم به هرگونه رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد اطلاق می‌شود. در بررسی فرایند زندگی مصاحبه‌شوندگان، در بسیاری از موارد، انجام خشونت‌های اجتماعی از صورت‌های خفیف آن در کودکی مثل خشونت‌های کلامی، تهدید، تحقیر، خرده‌فروشی مواد و... شروع شده و تا خشونت‌های سنگین از جمله قتل، ضرب‌وجرح، کلاه‌برداری، سرقت و... ادامه داشته است. «سیزده‌سالگی دیگه مشکلات مالی اوج گرفت؛ رفتم مواد را فروختم و همه توسط دوستا و آشناهای بابام بود و توی محلی که ما زندگی می‌کردیم که پایین شهر بود خیلی، این چیزها مرسوم بود و هیچ‌کس بد نمی‌دانست خرید و فروش مواد یک اتفاق عادی بود... بابای من فهمید که من دارم این کارو می‌کنم خیلی ناراحت شد و رفت با دوستش دعوا شد و اون دوستش را زد و این اتفاق‌ها باعث شد که من با پسر این آدم دعوام بشه و در شانزده‌سالگی با چاقو همدیگر را بزنییم. ما طرز استفاده از چاقو را بلد نبودیم و برداشتیم یهویی اون یکی به من زد دست من داغون شد و من یک ضربه به اون زدم و او سه روز توی کما بود و داشت می‌مرد...» (آقای کد 10).

اکثر این افراد در طول دوران کودکی خود نیز در معرض خشونت‌ها و تحقیرهای خانواده و اطرافیان قرار داشته‌اند و به‌نوعی آن‌ها را تجربه کرده‌اند. «قدر خانواده ما برادرم است که چهل و هفت ساله است. همیشه از خونه منو بیرون می‌کردند. در موقع مدرسه هم یک ناظم و یک معلم اذیت می‌کرد و ناحقی می‌کرد چون عقده درونی داشتند و من را اذیت می‌کردند.» (خانم کد 14).

در بررسی انواع خشونت‌های انجام‌شده که اکثر آن‌ها جزء جرائم غیرقابل گذشت بوده است (مثل قتل، ضرب و جرح شدید، خرید و فروش و توزیع مواد مخدر، آدم‌ربایی، سرقت و...) عوامل فردی، خانوادگی و اجتماعی بسیار مهمی تأثیرگذار بوده‌اند. همان‌طور که اشاره شد، در بسیاری موارد رفتارهایی چون جابه‌جایی مواد مخدر، ولگردی، فحاشی از دوران کودکی شروع شده بود. همچنین بیشتر افراد در کودکی خشونت‌های خانگی از جمله تحقیر، بی‌توجهی و غفلت، آزارهای روانی و عاطفی و جسمی را تجربه کرده بودند. «مادرم خیلی ما را کتک می‌زد و بی‌دلیل و بی‌جهت من را می‌زد و نافم را داغ می‌کرد. مادرم جنون و مشکل روانی داشت.» (آقای کد 6).

علل پشیمانی از ارتکاب خشونت و جرم: برخی از افراد، از ارتکاب خشونت و جرم‌های انجام‌شده از دوران کودکی تاکنون اظهار پشیمانی و ندامت کرده‌اند. بیماری و مرگ عزیزان یکی از علل اظهار پشیمانی افراد بوده است. افرادی که با توجه به باورها و اعتقادات، به‌نوعی خود را مقصر اتفاقات افتاده برای عزیزانشان می‌دانستند. بیماری مادر پس از آگاه‌شدن از خلاف فرزند، به دنیا آمدن فرزند با معلولیت بعد از خرید و فروش مواد مخدر از جمله این باورها و اعتقادات بوده است. غم و اندوه، عواطف و تجربیات پیچیده‌ای است که تأثیر متفاوتی بر افراد می‌گذارد. احساس گناه برای بیماری یا مرگ عزیزان بسیار رایج است و می‌تواند مانعی واقعی برای پذیرش علت واقعی اتفاقات پیش‌آمده باشد. «آن قدر نشئه بودم و آن قدر مواد کشیده بودم کنار ساحل نفهمیدم این بچه چه جور ریخته دریا و برنگشته فوت شده. دکترای 115 اورژانس مرا بیدار کردند و گفتند که بچه‌ات دو ساعت تو آب خفه شده و هرچقدر داد زدیم بیدار

نمی‌شدی. این حادثه‌ای شد که من درس عبرت بگیرم و دیگر مواد نکشم و دیگه سمت مواد مخدر نرفتم. این نکشیدن یکسال دوام داشت و بعد دوباره رفتم سمت مواد مخدر و به شدت تریاک و هروئین می‌کشیدم.» (آقای کد 8).

از هم‌گسیختگی خانواده به‌واسطه طلاق و دوری از خانواده و فرزندان به خاطر انجام اعمال خلاف قانون و رفتارهای خشونت‌آمیز و احساس تنهایی و غم ناشی از ترک‌شدن توسط خانواده، دوستان و اقوام نیز از جمله علل اظهار ندامت و پشیمانی افراد بوده است. «عاشق همسرم و فرزندانم هستم ولی می‌خواهم به آن‌ها آسیب نزنم برای همین از آن‌ها دوری می‌کنم.» (آقای کد 3). در برخی از افراد، ترس از بی‌ابرویی خانواده و زندان‌رفتن و در برخی نیز افزایش امید به زندگی از علل پشیمانی از ارتکاب خشونت بوده است. دیدار با فرزندان، کمک‌شدن جهت رهایی از مشکل توسط دوست قدیمی، به دنیا آمدن فرزند از جمله مواردی بود که امید به زندگی جدید را برای افراد ایجاد کرده بود.

پیامدها

عدم امنیت اجتماعی و روانی: دو نوع امنیت قابل بررسی است: امنیت فیزیکی (جسمانی) و امنیت روانی. عدم امنیت جانی مانند زورگیری، سرقت، تهدید به قتل و... است که به‌طور مستقیم با جسم و جان افراد سروکار دارد. عدم امنیت روانی مانند زمانی که آینده برای افراد پیش‌بینی‌پذیر نباشد، فرد دیده و شنیده نشود و مورد پذیرش و احترام دیگران قرار نگیرد و احساس غم و اندوه و پریشانی داشته باشد، دچار حس عدم امنیت روانی می‌شود. نخستین شرط سلامت روانی، داشتن احساس امنیت روانی است. داشتن احساس عدم امنیت، اضطراب‌آفرین است و اضطراب هم علت اصلی مشکلات عصبی و روانی است. در این پژوهش عدم امنیت روانی و احساس ناامنی افراد که به‌واسطه ترس، ناامیدی و یأس که از احساس گناه غم، تنهایی، بی‌کفایتی، طردشدگی، ترس از مرگ و... به‌وجود آمده است و عدم امنیت جانی بابت نگرانی از عواقب کارهای قبلی و خشونت‌ها و آسیب‌هایی که به دیگران رسانده‌اند که بعضاً منجر به فرار از محل زندگی و پنهان‌شدن یا مهاجرت افراد شده است؛ ایجاد گردیده

است. عدم امنیت در محیط زندگی و کار نیز از جمله مواردی بوده است که افراد در طول زندگی به واسطهٔ نبود پشتوانه‌های خانوادگی، ناامنی در محیط کار با آن روبه‌رو بوده‌اند. «با چاقو شاهرگ طرف مقابل را زدم اما خوشبختانه زنده ماند. فراری شدم. احساس ترس می‌کردم. حمایت خانواده و اجتماع را نداشتم. مردم احساس امنیت نمی‌کردند. آدرس‌م را به هیچ کس ندادم. الآن که به گذشته فکر می‌کنم می‌بینم اگر به خودم این‌گونه کمک می‌کردم خیلی پیشرفت می‌کردم نه اینکه همیشه یا در حال فرار باشم یا در زندان عمرم را بگذارم» (آقای کد 1). مازلو¹ نیز در هرم سلسله‌مراتب نیازها، دومین نیاز فرد را نیاز به امنیت نشان می‌دهد و ناامنی را احساسی پیچیده می‌داند. احساس طرد شدن، مورد عشق و علاقه نبودن، دیده‌نشدن، احساس نفرت داشتن، تنهایی و انزوا، همیشه در معرض خطر بودن و ... از جمله این موارد است که ممکن است تمایل به خودکشی یا نیاز شدید به کسب قدرت و مقام و ثروت و رقابت در این‌گونه افراد دیده شود؛ لذا هر چه ثبات سیاسی، مالی و اجتماعی بیشتری حاکم باشد به همان نسبت احساس امنیت روانی بالا می‌رود و کمتر شاهد ناهنجاری و آسیب‌های روانی و جسمی خواهیم بود.

بی‌اعتمادی و آزدگی اجتماعی: اعتماد اجتماعی یکی از جنبه‌های مهم روابط انسانی است که زمینه را برای ایجاد ارتباط و همکاری میان اعضای جامعه فراهم می‌کند و همواره از اهمیت زیادی برخوردار بوده است. هرگونه خدشه‌ای به اعتماد اجتماعی، می‌تواند سایر ارکان اساسی جامعه را تحت‌الشعاع قرار داده و فعالیت آن‌ها را مختل کند. افراد با توجه به اعتمادی که به دیگران و جامعه پیدا می‌کنند، به مشارکت و تعامل با دیگران ترغیب می‌شوند و نسبت به رفع نیازهای خود در جامعه اقدام می‌نمایند. رکود اقتصادی، بحران‌های اجتماعی، اقتصادی و فراگیری آن‌ها باعث تضعیف اعتماد افراد نسبت به یکدیگر و جامعه می‌شود. در چنین وضعی، معیارها و ارزش‌های اجتماعی نادیده گرفته می‌شوند. از آنجاکه اعتماد محصول تجربهٔ زیستهٔ افراد در جامعه است، هر چه اعتماد اجتماعی در بین افراد و در جامعه بیشتر باشد همبستگی

و نظم و ثبات اجتماعی نیز افزایش خواهد یافت. آزرده‌گی و رنجش نیز تجربه‌ی احساسات منفی ناشی از شنیدن یک کلمه یا یک عمل است و زمانی که با آنچه انتظار داریم در تضاد قرار می‌گیرد، می‌تواند بر تعاملات و ارتباطات فردی و اجتماعی افراد تأثیرگذار باشد. انتظار جهت برقرار بودن عدالت از جانب خانواده و جامعه نیز از نیازهای مهم است که عدم رعایت آن یا احساس بی‌عدالتی در حوزه‌های مختلف آموزشی، تربیتی، اقتصادی، قضایی در جامعه و عدم تبعیض در خانواده از جمله مواردی بوده که باعث آزرده‌گی و رنجش افراد شده است. برآورده نشدن خواسته‌ها و انتظارات و نادیده‌گرفته‌شدن باعث از-بین‌رفتن آرامش ذهن و روان افراد شده و آزرده‌گی ناشی از این وضعیت می‌تواند تنفر و انزجار را از افراد و جامعه به همراه داشته باشد. به مواردی از اعتقاد و احساس بی‌عدالتی ایجادشده در افراد در موارد آموزشی و قضایی و ازدست‌رفتن اعتماد اجتماعی به‌واسطه‌ی انگ اجتماعی و نگاه بدبینانه در خانواده، اقوام و جامعه به افراد که منجر به بی‌اعتمادی و آزرده‌گی اجتماعی شده است اشاره می‌شود: «دخترم خیلی با استعداد هست و نخبه است. دخترم خیلی آسیب دید و حالش بد شد زمانی که من را به زندان انداختند. خیلی به من وابسته بود. احساسم در آن زمان خیلی بد بود، آش نخورده و دهن سوخته، و هر چقدر می‌گفتم هیچ‌کس قبول نمی‌کرد و کاملاً با بی‌عدالتی این اتفاق برایم افتاد و به هرکس گفتم و هر چه گفتم باور نکردند که من کاری نکرده‌ام؛ داشتم روانی می‌شدم و از این بی‌عدالتی و ظلمی که به من شده بود رنج می‌کشیدم.» (خانم کد 23).

«محرکی که رنجش را برمی‌انگیزد اغلب با آزرده‌گی و محرومیتی مرتبط است که باعث انحصار یا ممنوعیت آزادی عمل یا دستیابی به منابع می‌شود. تجربه‌ی رنجش تمایل به انتقام‌گیری را برمی‌انگیزد و تا وقتی ارضا نشود، فعال باقی می‌ماند.» (فیتزگیبونز¹، 1986، ص 630). استیفلر² (2008) معتقد است رنجش مفرد، کودکان و نوجوانان را در معرض خطر طرد از سوی همسالان

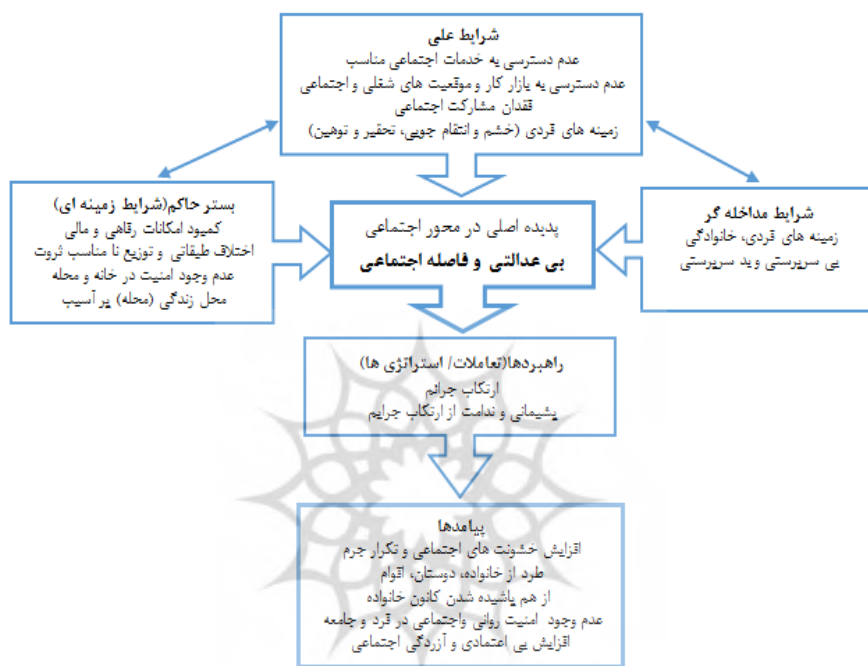
1- Fitzgibbons
2- Stiffler

قرار می‌دهد که به‌نوبه خود می‌توان موجب سازگاری ضعیف در مدرسه، ترک تحصیل، بزهکاری و میزان بالاتری از ارجاع‌های مربوط به مشکلات روانی شود. در میان جمعیت نوجوانان، رفتارهای برون‌ریزی منجر به پذیرش نوجوانان در گروه‌های منحرف می‌شود (پورحسین، عزتی و لواسانی، 1395، ص 9). در بین افراد مصاحبه‌شده، افرادی بودند که به‌واسطه آزرده‌گی و رنجش، رفتارهایی همچون انتقام‌گیری و گرایش به رفتارهای خلاف را تجربه کرده‌اند. «در دوران دانشجویی‌ام یک اعتراض همگانی صورت گرفت و همه بازداشت شدند. شاگرد فعال و خوبی بودم. بعد از آن اعتراضات و بازداشت‌م نسبت به اوضاع جامعه و درس و تحصیلاتم و شرایط جامعه پرخاشگر شدم. بسیار منزوی شدم. اول الکلی شدم و بعد از آن معتاد به مواد مخدر شدم. 13 ماه زندان بودم. عدم فهم اجتماعی، فاصله زیاد افراد در جامعه، حس بی‌عدالتی که واقعاً ظلم و بی‌عدالتی را در جامعه می‌دیدم و این‌ها باعث شد به سراغ الكل و مواد بروم. می‌خواستم از این بی‌عدالتی فرار کنم.» (آقای کد 3).

بی‌سرپرستی و بدسرپرستی: خانواده یکی از عوامل مؤثر در رفتار افراد است. کودک در خانواده نحوه رفتار را می‌آموزد و شخصیتش شکل می‌گیرد. فوت والدین، ازدواج مجدد والدین، بیماری‌های صعب‌العلاج، درگیری اعضای خانواده با آسیب‌های اجتماعی و جرائمی همچون اعتیاد، حمل و توزیع مواد مخدر، ضرب و شتم، روسپیگری و... که به دنبال آن بی‌توجهی نسبت به تربیت و رفاه کودکان اتفاق می‌افتد، از مصداق‌های بی‌سرپرستی و بدسرپرستی محسوب می‌شوند. «در یازده‌سالگی با پدرم توزیع‌کننده مواد بودم. به‌جای درس خواندن، مواد می‌بردم تحویل می‌دادم که پدرم راحت باشد. پدرم دستگیر شد و 16 سال حبس داشت. من فرزند بزرگ خانواده بودم و راه اینکه مواد را چکار کنم بلد بودم. برایم مشتری پاس (معرفی) می‌دادند تا خرج خانواده‌ام را در بیاورم. در شانزده‌سالگی خرده‌فروشی شیشه می‌کردم. چون چهره مظلومی داشتم کسی به من شک نمی‌کرد.» (آقای کد 4).

آزارهای روحی و روانی و ضرب و شتم و سوءاستفاده از کودک و درگیر کردن آن‌ها در اعمال خلاف قانون، اجبار به ازدواج‌های نامتعارف، اجبار به کار و

کسب درآمد برای بقای خود و خانواده و ...، موجب رشد کودکان در فضای ناامن و قرار گرفتن آن‌ها در معرض بحران‌های عاطفی، اخلاقی، اجتماعی و روانی شده است. این عوامل، زمینه‌های گرایش کودکان و نوجوانان را به انجام رفتارهای خشونت‌آمیز و بزهکاری، اعتیاد و ... ایجاد می‌کند.



شکل شماره 1- مدل زمینه‌ای چگونگی ارتباط خشونت اجتماعی و طرد اجتماعی در بستر اخلاق اجتماعی در محور اجتماعی

بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به مقولات عمده و توضیحات ارائه‌شده، می‌توان گفت که مفهوم یا مقوله‌ای هسته در محور اجتماعی «بی‌عدالتی و فاصله اجتماعی» است. مقوله‌ای که می‌تواند همه مقولات و مباحث فوق را پوشش دهد و جنبه تحلیلی داشته باشد. شناخت چگونگی ارتباط خشونت اجتماعی و طرد اجتماعی در بستر اخلاق اجتماعی در محور اجتماعی که سؤال این پژوهش بوده است، در جامعه مورد مطالعه در قالب یک «مدل زمینه‌ای» در شکل شماره 1 ارائه شده است

که شامل موارد زیر است: شرایط علی با مقوله‌های عدم دسترسی به خدمات اجتماعی مناسب، عدم دسترسی به بازار کار و موقعیت‌های شغلی و اجتماعی، فقدان مشارکت اجتماعی، زمینه‌های فردی (همچون خشم و انتقام‌جویی، تحقیر و توهین)، شرایط زمینه‌ای یا بستر حاکم با مقوله‌های کمبود امکانات رفاهی و مالی، اختلاف طبقاتی و توزیع نامناسب ثروت، نبود امنیت در خانه و محله، محل زندگی (محله) پرآسیب، شرایط مداخله‌گر با مقوله‌های زمینه‌های فردی، خانوادگی، بی‌سرپرستی و بدسرپرستی، فرایند/ تعاملات با مقوله‌های ارتکاب جرائم، پشیمانی و ندامت از ارتکاب جرائم و پیامدها با مقوله‌های افزایش خشونت‌های اجتماعی و تکرار جرم، طرد از خانواده، دوستان و اقوام، ازهم‌پاشیده‌شدن کانون خانواده، نبود امنیت روانی و اجتماعی در فرد و جامعه، افزایش بی‌اعتمادی و آزدگی اجتماعی.

با توجه به آنچه در قسمت قبل توضیح داده شد، در بررسی وضعیت اجتماعی 27 نفر جامعه مورد مطالعه مشاهده شد که افراد به‌واسطه عدم دسترسی به بازار کار به علت داشتن سوءپیشینه، نتوانسته‌اند شغلی پایدار برای خود پیدا کنند و موقعیت‌های اجتماعی شغلی خود را از دست داده‌اند. در چنین شرایطی، آنان با حقوق و دستمزد پایین که حتی نیازهای اولیه زندگی آنان و خانواده‌هایشان را در شرایط اقتصادی جامعه تأمین نمی‌کند دست‌وپنجه نرم کرده‌اند. عدم دسترسی این افراد به خدمات اجتماعی مناسب در محل زندگی و مدرسه از جمله کمبود امکانات اجتماعی محلی و خانگی از جمله نبود امکانات آگاه‌سازی مناسب در راستای رشد فکری و روانی افراد، بازماندگی از تحصیل و کم‌رنگ‌بودن خدمات تخصصی یاورانه مددکاران اجتماعی و مشاوران حرفه‌ای، همچنین کاهش مشارکت‌های اجتماعی در سطح جامعه و زمینه‌های فردی از جمله تجربه تحقیر و توهین و به‌تبع آن افزایش خشم، حس انتقام‌جویی و انزجار را در اکثر آنان تقویت کرده است؛ به‌طوری‌که برخی صراحتاً این موضوع را اشاره کرده‌اند و احساس برخی از آنان در طول مصاحبه قابل درک بود. کینه‌ورزی و تأکید بر انتقام‌گیری از افراد مقصر در ایجاد شرایط (پلیس، قاضی، همسر، معلم، همسایه و ...) و تلاش برای گرفتن حق و حقوق با

روش‌هایی که اگر با هنجارهای اجتماعی و قوانین کشور محقق نشده است، با روش‌های ناهنجار و غیرقانونی و مجرمانه صورت گرفته است. شرایط فوق همچون عدم یا کم‌بودن دسترسی افراد به امکانات اجتماعی، رفاهی، آموزشی، قضایی و اقتصادی، مقوله‌ای چون بی‌عدالتی را در این مدل شکل داده است. در مدل فوق همچنین می‌توان مشاهده کرد که افراد در شرایطی زیست کرده‌اند که به‌نوعی با کمبود امکانات رفاهی و مالی به‌واسطه مشکلات مالی و عدم دسترسی به مشاغل با درآمد مناسب، وجود اختلاف طبقاتی در جامعه و توزیع نامناسب ثروت و نبود امنیت در خانه و در محله‌هایی که آسیب‌های اجتماعی و خلاف بستری برای رشد کودکان و نوجوانان بوده است و خانواده‌هایی که زمینه‌های خشونت، خلاف، الگوهای تربیتی نادرست در آن وجود داشته است و بسیاری از افراد بی‌سرپرستی و بدسرپرستی را در کودکی و بزرگسالی تجربه کرده‌اند. این شرایط ایجادشده بین افراد مورد مطالعه، نوعی شکاف و احساس دوری را به‌صورت عینی با سایر گروه‌ها در جامعه به‌ویژه افراد در طبقات بالاتر جامعه و محلات ایمن‌تر ایجاد کرده است که مفهوم فاصله اجتماعی را به‌عنوان یکی از مقوله‌های اصلی این پژوهش شکل داده است.

درنهایت این زمینه‌های فردی، خانوادگی و اجتماعی پدیده‌ای را به نام «بی‌عدالتی و فاصله اجتماعی» در حوزه اجتماعی در افراد مورد مطالعه ایجاد کرده است که باعث شده تا تعاملات و رویکردهای افراد تحت تأثیر شرایط ذکرشده قرار گیرد و جرائم و خشونت‌های اجتماعی همچون قتل، خریدوفروش و توزیع و مصرف مواد مخدر، ضرب‌وجرح، روسپیگری و قوادی، کلاه‌برداری و سرقت و... را مرتکب شوند. اظهار پشیمانی و ندامت از ارتکاب جرم و خشونت استراتژی دیگری برای برخی از مصاحبه‌شوندگان بوده است که پس از ایجاد تغییراتی در زندگی آنان، (حین یا پس از انجام خشونت‌های اجتماعی سنگین) رخ داده است؛ ازجمله بیماری یا مرگ عزیزان (مادر، فرزند، دوست)، ازهم‌گسیخته‌شدن خانواده، تنهایی، ترس از بی‌آبرویی خود و خانواده و افزایش امید به زندگی با اتفاقاتی همچون به دنیا آمدن فرزند، کمک از جانب دوست و...

شیوه‌ها و تعاملات که به واسطه بی‌عدالتی و فاصله اجتماعی توسط افراد به کار گرفته شده‌اند، پیامدهایی را برای فرد و جامعه به همراه داشته است. یکی از این پیامدها، افزایش خشونت‌های اجتماعی و تکرار جرائم بوده است؛ که معمولاً به این دلیل که فرد قادر به حل مسئله و مشکلات و شرایط زندگی نبوده و هر چه بیشتر در وضعیت نامناسب خود به سر می‌برد شیوه‌های قبل را تکرار می‌کند. این امر به طردشدگی افراد در ابعاد فردی، خانوادگی و اجتماعی در سطح گسترده منجر شده و علاوه بر بروز خشم و عصبانیت، از هم‌گسیختگی کانون خانواده را به همراه داشته است. با ایجاد و افزایش بدبینی و بی‌اعتمادی به دلیل انگ اجتماعی به این افراد در جامعه، امنیت روانی و اجتماعی و امنیت جانی افراد را تحت‌الشعاع قرار داده و این موضوع احساس بی‌عدالتی اجتماعی را در حوزه‌های قضایی، اقتصادی، اجتماعی و آموزشی را در جامعه تشدید کرده است. بی‌عدالتی به‌ویژه در حوزه قضایی و انتظامی نیز زمانی برای این افراد ملموس‌تر شده است که در قبال جرم‌های سطحی، افراد حکم‌های سنگینی دریافت کرده‌اند، یا به‌ناحق دستگیر و محاکمه شده‌اند. این شرایط افراد را دچار نوعی رنجش و آزدگی اجتماعی کرده است که خود اثرات غیرقابل جبرانی را در جامعه به همراه خواهد داشت.

در مقایسه نتایج این پژوهش با سایر پژوهش‌های صورت‌گرفته می‌توان گفت که نتایج مطالعات صالح، ادهمی و کاظمی‌پور (1400) در خصوص تأثیر محرومیت تحصیلی و الگوهای نامناسب رفتاری در مدرسه بر میزان خشونت و یافته‌های قادرزاده و رستم‌زاده (1400) در خصوص طرد اجتماعی افراد در مدرسه و تأثیر آن بر بروز خشونت و یافته‌های خانعلی‌زاده و تاج‌الدین (1377) در خصوص انزوای اجتماعی و تأثیر آن بر افزایش خشونت و یافته‌های محسنی، میکائیلی و طالب‌پور (1395) در خصوص نقش فضاهاى مختلف شهری و میزان خشونت با نقش محیط زندگی در بروز خشونت و مطالعات سیلور (2015) در خصوص تأثیر محرومیت اجتماعی بر فاصله اجتماعی، حاشیه‌نشینی و ادغام ناکافی همچنین یافته‌های بانرجی (2022) در خصوص ازدواج اجباری، موانع دسترسی به عدالت و نتایج مطالعات رایت و فیتزپتریک

(2006) در رابطه با اهمیت اعتماد بین فردی و یافته‌های ونگ و همکاران (2018) در خصوص حالت خشم و تأثیر آن بر پرخاشگری با نشخوار خشم با یافته‌های این پژوهش (شرایط احصا شده علی، زمینه‌ای، مداخله‌گر تعاملات و پیامدها) مطابقت دارد. شایان ذکر است پژوهش حاضر علاوه بر اینکه خشونت اجتماعی و طرد اجتماعی را در بستر اخلاق اجتماعی مورد کاوش قرار داده است سعی کرده است تا فرایند مفاهیم مذکور را در طول زندگی افراد مورد بررسی قرار دهد. این موضوع در تحقیقات مورد مطالعه مشاهده نشده است.

پیشنهادها

- تشکیل پرونده مدیریت مورد توسط مددکاران اجتماعی برای افراد مرتکب خشونت با هدف بازپیوند آنان به جامعه صورت پذیرد؛
- برنامه‌ریزی جهت آموزش مهارت‌های فردی و اجتماعی در سطح خانواده، مدارس و مراکز آموزشی و محله‌های کم برخوردار در کشور با همکاری سازمان‌های دولتی و غیردولتی مرتبط با موضوع؛
- برنامه‌ریزی در سطح محلات به‌ویژه محلات حاشیه و آسیب‌خیز جهت مشارکت نوجوانان و جوانان در فعالیت‌های اجتماعی با هدف تقویت پیوندهای اجتماعی آنان با جامعه توسط دستگاه‌ها و نهادهای حمایتی از جمله سازمان بهزیستی، وزارت ورزش و جوانان و...؛
- بازنگری در سیاست‌های قضایی و قوانین به‌منظور تسهیل توانمندسازی افراد مرتکب خشونت و بازگشت مجدد افراد به خانواده و جامعه توسط قوه قضائیه با همکاری سازمان‌های حمایتی اجتماعی؛
- توانمندسازی فقرا و خانواده‌های کم‌درآمد با هدف مشارکت اقتصادی و اجتماعی توسط سازمان‌های حمایتی از جمله سازمان بهزیستی، کمیته امداد امام خمینی (ره) و ...؛
- اجرای نظام چند لایه فراگیر تأمین اجتماعی در کشور و افزایش ضریب نفوذ بیمه‌های اجتماعی؛

- حمایت‌طلبی جهت توانمندسازی افراد مرتکب خشونت اجتماعی؛
- به‌کارگیری مددکاران اجتماعی در سطوح مختلف جامعه از جمله مدارس، محلات کم‌برخوردار و... با همکاری آموزش و پرورش، انجمن‌های مددکاری اجتماعی، دانشگاه‌های تربیت‌کننده مددکاران اجتماعی؛
- تدوین برنامه‌های ارتقای سلامت اجتماعی و روانی با هدف افزایش نشاط اجتماعی و پیشگیری از خشونت در رأس برنامه‌های دستگاه‌های دولتی و غیردولتی مرتبط قرار گیرد.

سپاسگزاری

در پایان لازم می‌دانیم که از جمعیت‌های خیریه تولد دوباره، مرکز امور خدمات اجتماعی و مراقبت پس از خروج زندانیان و مرکز نگهداری زنان بی‌خانمان شهرداری تهران که در انجام مصاحبه‌ها یاریگر ما بودند، کمال تشکر و قدردانی خود را ابراز کنیم.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

- اچ ترنر، جاناتان و بیگلی، آل. (1384). *پیدایش نظریه جامعه‌شناختی*. ترجمه عبدالعلی لهسایی‌زاده. شیراز: انتشارات نوید شیراز.
- آقاسی، محمد؛ آقازاده، معصوم و رفیعی، مهدی. (1393). بررسی وضعیت اخلاق اجتماعی در جامعه (مطالعه شهر تهران). *جهاد دانشگاهی*، مرکز افکار سنجی دانشجویان ایران (ایسپا)، 17 - 19.
- پورحسین، رضا؛ عزتی، نسیم و لواسانی، غلام‌علی. (1395). بررسی اثربخشی بر افکار خودکشی و رنجش در نوجوانان دختر بزهکار. *مجله علوم روان‌شناختی*، 15(57)، 6-19. قابل بازیابی از: <https://psychologicalscience.ir/article-1-194-fa>
- خانعلی‌زاده، مریم و تاج‌الدین، محمدباقر. (1377). عوامل اجتماعی مؤثر بر بروز خشونت در فضای عمومی شهر تهران. *فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات امنیت اجتماعی ناجا*، 9(54)، 21 - 54. قابل بازیابی از: http://sss.jrl.police.ir/article_19023.html
- خوشفر، غلامرضا. (1374). مقایسه تحلیلی ارزش‌های خانواده، مدرسه، گروه همسالان از دیدگاه دانش‌آموزان پسر دبیرستان‌های تهران. طرح تحقیقاتی انجمن اولیا و مربیان.
- دیکچ، مصطفی. (1401). *خشم شهری: شورش طردشدگان*. ترجمه مجید ابراهیم‌پور، بنفشه خسروی و نیما شکرایی. چاپ چهارم. تهران: انتشارات چرخ.
- زند، شکوفه؛ حقیقتیان، منصور و هاشمیان‌فر، سید علی. (1400). بررسی میزان افسردگی، از خودبیگانگی، خودشکوفایی و سرمایه فرهنگی فرزندان متأثر از خشونت نمادین واقع بر زنان متأهل در خانواده. *نشریه پژوهش‌های انتظامی و اجتماعی زنان و خانواده*، 9(1)، 1-273. قابل بازیابی از: http://journals.police.ir/article_96394.html

- سازمان پزشکی قانونی کشور (1388). خلاصه سالنامه آماری سال‌های 1399 و 1400. تهران.
- صالح، سعید؛ ادهمی، عبدالرضا و کاظمی‌پور، شهلا. (1400). نقش رفتارهای اجتماعی و پیامدهای خشونت: مطالعه‌ای کیفی با رویکرد گراند تئوری. *مجله تحقیقات علوم رفتاری*، 19(2)، 204-211. قابل‌بازیابی از: <https://rbs.mui.ac.ir/article-1-1079-fa.html>
- صدیق سروستانی، رحمت‌الله. (1387). *آسیب‌شناسی اجتماعی*. چاپ سوم. تهران: انتشارات سمت.
- غفاری، غلامرضا و تاج‌الدین، محمدباقر. (1384)، شناسایی مؤلفه‌های محرومیت اجتماعی. *فصلنامه رفاه اجتماعی*، 4(17)، 29 - 52. قابل‌بازیابی از: <http://refahj.uswr.ac.ir/article-1-2113-fa.html>
- فلیک، اووه. (1393). *درآمدی بر تحقیق کیفی*. ترجمه هادی جلیلی. چاپ هفتم. تهران: نشر نی.
- فیتزپتریک، تونی. (1381). *نظریه رفاه، سیاست اجتماعی چیست*. ترجمه هرمز همایون‌پور. تهران: نشر گام نو.
- قادرزاده، امید و رستم‌زاده، شیرزاد. (1400). تجربه طرد اجتماعی و خشونت ورزی در میدان مدرسه: مردم‌نگاری انتقادی خشونت‌ورزی دانش‌آموزان مدارس متوسطه دوم پسران سنندج. *تشریح مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، 10(3)، 717-777. قابل‌بازیابی از: https://journals.ut.ac.ir/article_82416.html
- کوزر، لوئیس. (1393). *زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی*. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: انتشارات علمی.
- گراوند، هوشنگ و دلاور، علی. (1377). فرامطالعه تحقیقات سرقت، نزاع و قاچاق مواد مخدر در طول سال‌های 85-66 در کلان‌شهر تهران و

راهکارهای مقابله با آن». تهران: فصلنامه علوم اجتماعی، 27 (99)، 1-39. قابل بازیابی از:

https://journals.atu.ac.ir/article_11770.html

- محسنی، رضا علی؛ میکائیلی، جعفر و طالب‌پور، اکبر. (1395). تبیین جامعه‌شناختی رابطه بین فضاهای بی‌دفاع شهری با خشونت‌های شهری (مورد مطالعه شهر تهران). *دوفصلنامه پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر*، 5(9)، 125-154. قابل بازیابی از:

https://csr.basu.ac.ir/article_1813.html

- محمدی، فائزه؛ صداقت‌زادگان، شهناز؛ اعظم‌آزاده، منصوره و قاضی‌نژاد، مریم. (1388). مطالعه جامعه‌شناختی سلامت اجتماعی زنان منطقه اورامانات کرمانشاه: با تأکید بر نقش خشونت‌های اجتماعی. *پژوهش‌های انتظامی و اجتماعی زنان و خانواده*، 7(2)، 208-229. قابل بازیابی از:

http://journals.police.ir/article_93096.html

- معظمی، شهلا. (1390). خشونت اجتماعی و قتل، گزارش وضعیت اجتماعی ایران سال 80 تا 88. تهران: مؤسسه رحمان.

- موسوی چلک، حسن. (1400)، *دغدغه‌های یک مددکار اجتماعی*. جلد 3. تهران: انتشارات شلاک.

- ودادهیر، ابوعلی و نادری، حمید. (1388). فراتحلیل مطالعات سرقت در ایران «بر عوامل مؤثر بر سرقت». *دوفصلنامه مسائل اجتماعی ایران*، 10(1)، 263-285. قابل بازیابی از:

<https://jspi.khu.ac.ir/article-1-2873-fa.html>

- Banarjee, S. (2020). Identifying factors of sexual violence against women and protection of their rights in Bangladesh. *Aggression and violent behavior*, 52, 101384. Retrieved from:

<https://doi.org/10.1016/j.avb.2020.101384>

- Fitzgibbons, R.P. (1986). *The cognitive and emotive use of forgiveness in the treatment of anger*. *Journal of Psychotherapy*, 23, 629-633 Retrieved from:

<https://doi.org/10.1037/h0085667>

- Gells, R. J., & Straus, M. A. (1979). Detemporary of violence in the family. *WR Burre, R. Hill, FJ Nye & L. l. Reiss (ed.), Contemporary theories about the family*, 15-29.
- Islam, M., Jahan, N., & Hossain, M. D. (2018). Violence against women and mental disorder: a qualitative study in Bangladesh. *Tropical medicine and health*, 46(1), 1-12. Retrieved from:
<https://doi.org/10.1186/s41182-018-0085-x>
- Jehoel-Gijsbers, G., & Vrooman, c. (2007). *Explaining social exclusion*. The nether land institute for social research: 30,111.
- Megan, M. Elizabeth, C. (2022). *Social risk behaviors for firearm violence*. Social Direct Journals &books, Retrieved from:
<https://doi.org/10.1016/B978-0-12-818872-9.00155-2>
- Megargee, E. (1981). Methodological problems in the prediction of violence. *Violence and the violent individual*, 179-191.
- Moore, K. E., Gobin, R. L., McCauley, H. L., Kao, C. W., Anthony, S. M., Kubiak, S., ... & Johnson, J. E. (2018). The relation of borderline personality disorder to aggression, victimization, and institutional misconduct among prisoners. *Comprehensive psychiatry*, 84, 15-21. Retrieved from:
<https://doi.org/10.1016/j.comppsy.2018.03.007>
- Room, G. (1994). Understanding social exclusion: lessons from transnational research studies. In *Conference 'Poverty Studies in the European Union: Retrospect and Prospect'*, Policy Studies Institute, London (Vol. 24).
- Sen, A. (1885). *Commodities and Capabilities*. North Holland, Amsterdam: 12-14. Retrieved from:
<http://aei.pitt.edu/9443/2/9443.pdf>
- -Silver H. (2015). *Social Exclusion*. First published: 30 December 2015. Online library wiley. Retrieved from:
<https://doi.org/10.1002/9781118663202.wberen591>

- Wang, X., Yang, L., Yang, J., Gao, L., Zhao, F., Xie, X., & Lei, L. (2018). Trait anger and aggression: A moderated mediation model of anger rumination and moral disengagement. *Personality and Individual Differences*, 125, 44-49. Retrieved from:

<https://doi.org/10.1016/j.paid.2017.12.029>

- Wright, D. R., & Fitzpatrick, K. M. (2006). Social capital and adolescent violent behavior: Correlates of fighting and weapon use among secondary school students. *Social Forces*, 84(3), 1435-1453. Retrieved from:

<https://doi.org/10.1353/sof.2006.0077>

